

واکاوی پیامدهای آموزش مبتنی بر فضای مجازی در تربیت دانش آموزان

با رویکرد آموزه‌های دینی - اسلامی



هادی عبدالله‌زاده

حمید احمدی میرقائد

اشاره

پژوهش حاضر، با هدف واکاوی فرصت‌ها، تهدیدها و پیامدهای آموزش مبتنی بر فضای مجازی در تربیت دانش آموزان با رویکرد آموزه‌های دینی - اسلامی به صورت مطالعه کیفی انجام و جمع‌آوری اطلاعات به روش پدیدارشناسی و از طریق مصاحبه بوده است. در این روش، تجزیه و تحلیل اطلاعات هم با روش هفت مرحله‌ای کلایزری صورت پذیرفته است. جامعه مورد مطالعه، معلمان مدارس متوسطه اول و کتب، مقالات، مجلات و منابع مرتبط با موضوع پژوهش است. حجم نمونه‌گیری، بدین صورت بود که مصاحبه‌ها تا زمان اشباع داده‌ها و به صورت هدفمند ادامه یافت.

گفتنی است که مقاله حاضر، توسط هیئت تحریریه فصلنامه انتخاب گردیده و به دلیل حجم زیاد مطالب آن، به میزان لازم خلاصه‌سازی شده است.

کلیدواژه‌گان: فضای مجازی، تهدید، فرصت، آموزه‌های اسلامی، تربیت.

مقدمه

بی‌تردید، نقش روزافزون فضای مجازی در زندگی جوامع امروزی و نیز گسترش استفاده و دسترسی به آن، بر هیچ‌کس پوشیده نیست و در این بین، به اذعان متخصصان تربیت، اثرپذیرترین قشر از جامعه، دانش‌آموزان هستند. در عصر حاضر و با توجه به تغییراتی که این فناوری در جهان حاصل کرده، به اعتقاد مک لوهان، جهان به دهکده‌ای کوچک مبدل شده که مردم قسمت‌های مختلف جهان با فرهنگ و باورهای گوناگون را به یکدیگر مرتبط کرده است. به نظر می‌رسد، در صورت ورود افراد بدون فرهنگ‌سازی و آموزش قبلی به این فضا، مباحث تربیتی دانش‌آموزان با تهدیدهایی مواجه خواهد شد؛ چراکه همواره محیط، بیشترین تأثیر را بر فرآیند تعلیم و تربیت داشته است. البته عقیده نگارنده بر این است که این فضا، قطعاً فرصت‌هایی نیز خلق خواهد کرد؛ اما ضمن در نظر گرفتن کارکردهای مثبت این فضا، به جهت اینکه در کنار فرصت‌ها، تهدیدهایی نیز حاصل می‌کند، باید به چالش‌ها و آسیب‌های احتمالی آن بر تربیت دینی دانش‌آموزان نیز توجه ویژه‌ای داشت.

از این رو، جهت برقراری ارتباط هرچه بهتر با عنوان پژوهش، ابتدا به بیان مسئله، ضرورت و اهمیت اهداف و فرضیه‌های پژوهش، و در انتها به تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها پرداخته خواهد شد.

بر اساس آمارها در سال ۱۳۹۵ش، عضویت در شبکه‌های اجتماعی در شهرهای درجه یک، حدود ۴۴ درصد، در شهرهای درجه دو، حدود ۴۲ درصد و در روستاها، بین ۳۹ تا ۴۰ درصد بوده است. این آمار، نشان می‌دهد مردم با اینترنت زندگی می‌کنند؛ آماری که مسلماً با گذر زمان و تا به امروز، رشد چشمگیری نیز داشته است؛ به‌خصوص در



دوران همه‌گیری کرونا که با محدودیت‌های زیاد، مردم حتی بیش از فضاهای جمعی فیزیکی، در فضای مجازی حضور دارند و از این طریق، روابط اجتماعی خود را سامان می‌دهند و این‌گونه بود که این فضا، به تدریج جایگزین نیازهای مردم در زمینه اجتماعات خانوادگی، آموزشی، اجتماعی، سیاسی، و همچنین به بستری برای کسب‌وکار تبدیل شده است.

کرونا از هرکجا بود و عاملش از هر چه نشئت گرفت، همه روابط و ضوابط را زیر و رو کرد و دگرگونی عجیبی برای بشریت، به‌ویژه ایران اسلامی پدید آورد. آموزش عالی و آموزش و پرورش در ابتدای کار، با تعطیلی فعالیت‌ها، مدتی را در بلاتکلیفی به سر بردند. وقتی مشخص شد که این مهمان ناخوانده، همچنان حضور نحس خود را بر مردم تحمیل نموده، در پی چاره‌اندیشی برای وضعیت موجود برآمدند.

برای آموزش عالی تصمیم در این زمینه، بسیار راحت و آسان بود؛ زیرا برقراری ارتباط استاد و شاگرد با دانشجو یا دانشگاه کار پیچیده‌ای نبود؛ زیرا همه دارای رشد عقلی کافی و از استقلال شخصیتی برخوردار بودند و خود برای مدیریت وضع موجود تصمیم لازم را اتخاذ می‌کردند. در دانشگاه معمولاً

زیرساخت‌های لازم وجود دارد و امکان استفاده اساتید از آن فراهم است؛ ولی در این میان، آموزش و پرورش برای اتخاذ هر تصمیمی با حدود ۱۵ میلیون دانش‌آموز، از پیش‌دستانی شش‌ساله تا دانش‌آموز دیپلمه هجده - نوزده ساله مواجه بود. در کنار اینها، حدود ۳۰ میلیون خانواده، هرکدام با سطوح مختلف سواد و موقعیت اجتماعی، با آموزش و پرورش مرتبط هستند و هر تصمیمی در سرنوشت آنها نیز بی‌تأثیر نیست. کودکان با نیازهای ویژه با شرایط خاص و نیازمند به خدمات ویژه، دانش‌آموز مرزی یا آموزش‌پذیر تا تیزهوش، هریک خدمات و امکانات خاصی را می‌طلبند و عدم وجود یا وجود حداقلی زیرساخت‌ها در مدارس، امکان پاسخگویی به جامعه گسترده دانش‌آموزان و خانواده‌ها را ندارد.

با همه توصیفات، آموزش و پرورش نیز با کمک رسانه ملی دست به کار شد و نسبت به ارائه خدمات آموزشی اقدام نمود؛ ولی به دلیل گستردگی موجود و تنوع مدارس، رشته‌های تحصیلی در ۱۲ پایه، با وقت اندک اختصاص‌یافته به آموزش و پرورش، امکان ارائه همه فعالیت‌های آموزشی و تربیتی فراهم نشد.

به همین جهت، دست‌اندرکاران تعلیم و



و مهرآقا، ۱۳۸۷، ص ۹۰) به همین سبب، در قانون اساسی و سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش بدان توجه ویژه‌ای شده است؛ به گونه‌ای که بیش از پیش، به اهمیت تربیت دینی دانش‌آموزان پرداخته شده و بر انتقال فرهنگ اسلامی انقلابی تأکید فراوانی شده است.

تربیت دینی به عنوان وظیفه کنونی آموزگاران و مربیان، باید در سه بُعد: شناختی، عاطفی و رفتاری انجام شود. (صفایی حائری، ۱۳۸۸، ص ۴۰) منظور از بُعد شناختی، ساحتی از وجود آدمی است که به تفکر و اندیشه می‌پردازد. محتوای این ساحت، آن چیزی است که از طریق حواس، تأمل، دریافت‌های درونی حاصل می‌آید. تأکید گسترده بر تفکر و تعقل در قرآن کریم و احادیث، بر اهمیت این بُعد اشاره دارد.

بُعد عاطفی، به گرایش‌ها و کشش‌های آدمی به چیزی یا کاری اشاره می‌کند. شناسایی، برای دینداری کافی نیست؛ بلکه دوست داشتن، نیرویی محرک برای آن محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد، ایمان دینی را باید در این ساحت قرار داد.

عنصر سوم، توجه به بُعد رفتاری و عملی در تربیت دینی است. عمل صالح، معیار ایمان

تبدیل تهدید به فرصت، یا کاهش تهدیدات در مقابل فرصت‌ها، نیاز به عزمی جدی و تلاشی مساعی احساس می‌شود. البته فضای مجازی دارای ظرفیت‌های بالقوه فراوانی نیز هست که در صورت فراهم بودن شرایط، اثرات قابل توجهی در شکل‌گیری شخصیت افراد، به‌خصوص کودکان و دانش‌آموزان خواهد داشت.

یکی از مسائلی که همواره در همه جوامع مطرح و از اهمیت شایانی نیز برخوردار است، به آموزش و تربیت انسان‌ها مربوط می‌شود. این تربیت، باید از کودکی آغاز و در همه نهادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... لحاظ شود. در این میان، نقش تربیت دینی، حساس‌تر و حیاتی‌تر است. بحث تربیت دینی که اصلی‌ترین و درونی‌ترین سطح آن، الوهیت است، در برطرف کردن مشکلات انسان، اعم از تعدیل مادیات و لطافت بخشیدن و قابل تحمل کردن زندگی، نقش دارد و هدف نهایی تمام اقدامات تربیتی به شمار می‌رود. دیگر ابعاد تربیت، همچون: عواطف، جسم، جنبه‌های اجتماعی و اخلاقی با تربیت دینی رابطه‌ای طولی دارند. بنابراین، تربیت دینی در عرض سایر جنبه‌های آن نبوده، بلکه در طول آنها و در مرتبه‌ای بالاتر قرار دارد. (چراغ چشم

تربیت، شبکه «شاد» را طراحی و راه‌اندازی نمودند که طبعاً زمینه دسترسی راحت‌تر دانش‌آموز به گوشی‌های هوشمند و فضای آزاد اینترنت را بدون آموزش‌های قبلی و با نظارت اندک خانواده‌ها موجب شد. در کنار همه مزایایی که راه‌اندازی شبکه «شاد» داشت، اما فقط امکان تعلیم و تربیت حداقلی فراهم آمد و باید مرتب به‌روزرسانی و کارآمدتر گردد. از خوبی‌های این شبکه که بگذریم، غفلت از آسیب‌های جدی آن، ضربات و مخاطراتی را برای جامعه، به‌ویژه مخاطبان خود (دانش‌آموزان) به دنبال دارد که نباید آنها را دست‌کم گرفت؛ زیرا در آینده، آثار و تبعات بلندمدت آن رخ خواهد نمود. بنابراین، در دنیای کنونی، گسترش سریع فناوری‌های ارتباطات و نیازهای متنوع عصر حاضر که از آن تحت عنوان «عصر انفجار دانش» نیز یاد می‌شود، دایره اثرگذاری عوامل مختلف بر اندیشه‌های دینی دانش‌آموزان را گسترده‌تر از پیش کرده است. پس، سهم خانواده‌ها و حتی معلمان آنان، در تکوین شخصیت فرهنگی و دینی آنان، روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر شده و در مقابل، عوامل محیطی، به‌ویژه رسانه‌ها و فضای مجازی، پیامدهای قوی‌تری بر افکار و اندیشه‌های دانش‌آموزان نهاده‌اند. در چنین فضایی، برای

است. در تربیت دینی، این سه جز از یکدیگر جدایی ناپذیرند و تنها به هنگام تحلیل است که این فرایند کامل، به اجزایی بخش می‌شوند.

بنابراین، پژوهش حاضر به بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای آموزش مجازی بر تربیت دینی - اسلامی دانش‌آموزان می‌پردازد.

هدف تحقیق

الف. هدف اصلی

بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای آموزش مجازی در تربیت دانش‌آموزان با رویکرد آموزه‌های دینی - اسلامی.

ب. اهداف فرعی

۱. شناسایی ضعف‌ها و آسیب‌های آموزش مجازی در تربیت دانش‌آموزان با رویکرد آموزه‌های دینی - اسلامی.

۲. شناسایی فرصت‌های آموزش مجازی در تربیت دانش‌آموزان با رویکرد آموزه‌های دینی - اسلامی.

۳. تقویت نظام آموزش مجازی.

فرضیه تحقیق

الف. فرضیه اصلی

فرصت‌ها و تهدیدهای آموزش مجازی در تربیت دانش‌آموزان با رویکرد آموزه‌های دینی - اسلامی کدام است؟

ب. فرضیه‌های فرعی

۱. ضعف‌ها و آسیب‌های آموزش مجازی چیست؟

۲. راه‌های تقویت نظام آموزش مجازی کدام است؟

۳. فرصت‌های آموزش مجازی چیست؟

پیشینه پژوهشی

الف. پژوهش‌های داخلی

- سمانه سلیمی و محمدعلی فردین (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش ویروس کرونا در آموزش مجازی، با تأکید بر فرصت‌ها و چالش‌ها». در این تحقیق، جای خالی مباحث تربیتی و اخلاقی به‌شدت احساس می‌شود.

- همتی، سیما و جعفری، محدثه (۱۳۹۹) به

صورت مروری و کتابخانه‌ای در مقاله خود به «نقش رسانه‌ها بر تربیت دینی و

اجتماعی کودکان و نوجوانان» پرداخته‌اند و سعی داشته‌اند تا نقش رسانه‌ها در تربیت دینی، آسیب‌شناسی رسانه‌ها در تربیت دینی و آثار اجتماعی و فرهنگی آنها را مورد کنکاش قرار دهند.

- یعقوب مولائی قولنجی (۱۳۹۹) در پژوهش خود در خصوص «مشکلات و چالش‌های تدریس فضای مجازی در ایام شیوع کرونا از دیدگاه معلمان»، همچون سلیمی به بررسی مزایا و محدودیت‌های آموزش مجازی را در ایام شیوع ویروس کرونا پرداخته که باز هم از جنبه آثار تربیتی آن، تا حدودی غفلت شده است.

- چیت‌ساز، محمدجواد و حسینی مقدم، محمد (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «دینداری و فضای مجازی: فراتحلیلی بر مطالعات دین و فضای مجازی» که به زبان انگلیسی نگاشته شده و در ژورنال‌های خارجی معتبر به چاپ رسیده، با بررسی مطالعات قبلی در مقاله خود، به بیان تأثیر فضای مجازی بر دینداری در ایران می‌پردازند و این‌گونه

نقش روزافزون فضای مجازی در زندگی جوامع امروزی و نیز گسترش استفاده و دسترسی به آن، بر هیچ کس پوشیده نیست و در این بین، به اذعان متخصصان تربیت، اثرپذیرترین قشر از جامعه، دانش‌آموزان هستند. در عصر حاضر و با توجه به تغییراتی که این فناوری در جهان حاصل کرده، به اعتقاد مک لوهان، جهان به دهکده‌ای کوچک مبدل شده که مردم قسمت‌های مختلف جهان با فرهنگ و باورهای گوناگون را به یکدیگر مرتبط کرده است. به نظر می‌رسد، در صورت ورود افراد بدون فرهنگ‌سازی و آموزش قبلی به این فضا، مباحث تربیتی دانش‌آموزان با تهدیدهایی مواجه خواهد شد



ابراز می‌دارند که با وجود پرداختن محققان بسیاری به این موضوع، درک جامعی از تأثیر اینترنت بر دینداری وجود نداشته است؛ زیرا تا به امروز، مطالعه تطبیقی انجام نشده است. بنابراین، در مقاله خود، از فراتحلیل به عنوان روشی برای بررسی تلاش‌های قبلی استفاده کرده و در عین حال، سعی در جمع‌آوری تمام داده‌ها با طبقه‌بندی مسائل، روش‌ها، رویکردهای نظری و مهم‌تر از آن، نتایج آنها دارند.

نتیجه این پژوهش، جدای از طبقه‌بندی و تبیین جایگاه دینداری در ایران، نشان دادن تأثیر فضای مجازی بر دینداری و هویت دینی است. داشتن هویت مذهبی قوی‌تر، باعث می‌شود که رفتارهای نادرست آنلاین، مانند جست‌وجو و شرکت در پورنوگرافی، کمتر شود. همچنین، نشان‌دهنده استفاده از فضای مجازی برای مقاصد تفریحی در مقایسه با استفاده از آن برای ارتباط یا جمع‌آوری اطلاعات و... است که باعث می‌شود کاربران (دانش‌آموزان)، هویت مذهبی ضعیف‌تری داشته باشند.

- مریم اصفهانی (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «فضای مجازی و تربیت دینی دانش‌آموزان» با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی

درصد بررسی و تبیین ابعاد گوناگون فضای مجازی و تربیت از حوزه تربیت اسلامی و روان‌شناختی، به مفهوم‌سازی تربیت در فضای مجازی و نقش آن به عنوان ابزاری مهم در تأثیرگذاری برآمده است.

- مرضیه حیدری دهکردی (۱۳۹۶) در مقاله «ظرفیت‌های فضای مجازی در تربیت دینی نسل جوان»، با اشاره به ویژگی‌های فضای مجازی و نیز اصل تربیت، با مطرح کردن پتانسیل بالای این فضا در به‌کارگیری عناصر ضد ارزشی و ضد تربیتی در به‌انحراف کشیدن نسل جوان به منظور کنترل، و در مقابل، بهره‌برداری از ظرفیت‌های مثبت آن، نکاتی را مطرح نموده است.

- در این بین، شاید پژوهش «تأثیر فضای مجازی بر تربیت دینی کودکان» اثر صفورا شکوهی و پریسا اصغرزاده طالبی (۱۳۹۶) که با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی نگاشته شده، در بررسی و تبیین ابعاد گوناگون فضای مجازی و تربیت از حوزه تربیت اسلامی، قوی‌تر از سایرین ظاهر شده باشد. در این مقاله، به بررسی ابعاد و ظرفیت‌های موجود در فضای مجازی در جهت تربیت فرزندان بوده است. - حشمت چراغی، مرضیه باقری و مسعود

پوررحیمی (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «آسیب‌شناسی ارتباطات اینترنتی در جوانان و نوجوانان»، فرضیه‌ای را با این عنوان مطرح می‌کند: «فضای اینترنت، متأثر از نحوه استفاده از آن است که اثرات خود را آشکار می‌سازد و در مورد جوانان و نوجوانان، نحوه هدایت، کنترل و نظارت بر آنان می‌باشد که سبب‌ساز تأثیر مثبت یا منفی آن می‌گردد.»

محققان این پژوهش، برآنند تا با طرح این سؤال و فرضیه، به این مهم دست یابند که آیا این فضای مجازی با تنوع گسترده خود، از حوزه‌های علمی و مذهب گرفته تا ترویج خشونت و ترور و پرنوگرافی و آزار کودکان، به خودی خود فضایی خطرناک و خطرناک‌ساز است یا می‌تواند مفید و موقعیت‌ساز نیز باشد؟

- رضا اقدام‌پور، زهره سعادت‌مند و سید ابراهیم میرشاه جعفری (۱۳۹۴) نیز در مقاله‌ای مشترکاً به «آسیب‌شناسی شبکه‌های مجازی در برنامه درسی دوره ابتدایی» پرداخته‌اند. این نوشتار، به شیوه روش تحلیلی - اسنادی در سومین همایش علمی - پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران به چاپ رسیده است که با در نظر گرفتن

کرونا از هر کجا بود و عاملش از هر چه نشئت گرفت، همه روابط و ضوابط را زیر و رو کرد و دگرگونی عجیبی برای بشریت، به‌ویژه ایران اسلامی پدید آورد. آموزش عالی و آموزش و پرورش در ابتدای کار، با تعطیلی فعالیت‌ها، مدتی را در بلا تکلیفی به سر بردند. وقتی مشخص شد که این مهمان ناخوانده، همچنان حضور نحس خود را بر مردم تحمیل نموده، در پی چاره‌اندیشی برای وضعیت موجود برآمدند



توجه حداقلی مقالات و پژوهش‌های قبل از خود، به مقطع آسیب‌پذیر ابتدایی در بحث آسیب‌شناسی فضای مجازی، این بار به این حوزه ورود پیدا کرده و در نهایت، به این نتیجه دست یافته که استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های مجازی به بسترسازی مناسب فرهنگی، علمی و توسعه مهارت‌های معلمان و برنامه‌ریزان نیاز دارد.

ب. پژوهش‌های خارجی

– دکتر عزوز بن تمسک (۲۰۱۹) در پژوهش خود با عنوان «قابلیت‌های آموزشی در فضای مجازی در جهان اسلام؛ واقعیت و چالش‌ها» با بهره‌گیری از روش تحلیلی درصد است تا ضمن تأکید بر ضرورت توجه و برنامه‌ریزی

برای مواجهه با سردرگمی‌های حاصل از ساختارها و مناسبات موجود اجتماعی، سیاسی و به‌خصوص فرهنگی و آموزشی حاصل از رشد مستمر فناوری و فضاهای مجازی، برنامه‌ای را برای در دست گرفتن ابتکار عمل جهت توسعه یک برنامه منظم، علمی و منطقی برای مقابله با این فناوری‌ها در نظام آموزشی جاری سازد. از این‌رو، در پژوهش خود، ضرورت توجه به تحقیقات علمی در زمینه آموزش الکترونیکی را برای رویارویی با چالش‌های ناشی از این انقلاب فناورانه به مخاطبان القا می‌نماید.

– سید شاکر الحیدری (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با مضمون «نقش متقابل آموزش تجویزی و مجازی در ارتقای سطح معارف دینی»، در ابتدا به لزوم آشنایی با دنیای مجازی، و در نهایت، مزایا و معایب آن و اینکه علوم مجازی تا چه اندازه در خدمت آموزش معارف دینی بوده، پرداخته است.

– یافته‌های پوتر (۲۰۱۳) در پژوهش خود با موضوع «مسائل ناشی از اینترنت و فضای مجازی»، حاکی از این است که این فضا دسترسی سریع دانش‌آموزان و دانشجویان

فرد یا افراد مورد نظر او صورت می‌گیرد و معمولاً محقق را به‌خوبی با وضع فرد یا افراد، مطلع و آشنا می‌کند. (آگبرن و نیمکوف، ۱۳۵۷، ص ۲۲) جامعه آماری این تحقیق، شامل تمامی معلمان دروس دین و زندگی (زن و مرد) مدارس متوسطه اول استان چهارمحال و بختیاری با مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر در سال تحصیلی ۱۴۰۰ – ۱۴۰۱ است (معلمان مرد: ۶۹ نفر و معلمان زن: ۴۶ نفر).

روش نمونه‌گیری، به صورت هدفمند بوده است. پاتون، اصطلاح نمونه‌گیری هدفمند یا از روی قصد را برای توصیف نوعی از نمونه‌گیری به کار می‌برد که در آن، مواردی از لحاظ هدف‌های تحقیق کیفی که اطلاعات غنی دربردارند، انتخاب می‌شوند. (گیال و همکاران، ۲۰۰۳، به نقل از: نصر و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۸۹)

در این پژوهش، ملاک‌های مورد نظر عبارت بودند از: داشتن مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر، معلمان درس دین و زندگی، و نیز سابقه تدریس بالای ۵ سال.

تعداد نمونه در روش مصاحبه، میزان

به اطلاعات انقلابی را پدیدآورده که در نگاه اول، عالی به نظر می‌رسید؛ اما با شیوع بیشتر این پدیده، تأثیرات باطنی و مستتر خود را به معرکه نمایش گذارد که کوچک‌ترین آن، کاهش ارزش‌های اخلاقی است.

– والک و همکاران (۲۰۱۰) در مقاله‌ای به «بررسی آموزش از طریق تلفن همراه در کشورهای در حال توسعه آسیایی» پرداخته و در نهایت، این طور مشاهده می‌شود که تلفن همراه در این مناطق، علاوه بر فراهم آوردن امکان آموزش در نواحی دورافتاده و سایر مزایای دیگر، با انحطاط ارزش‌های اخلاقی در میان دانش‌آموزان همراه است.

روش پژوهش

روش تحقیق، ناظر به مجموعه‌ای از قواعد، ابزار و راه‌های معتبر و قابل اطمینان و نظام‌یافته برای بررسی واقعیت‌ها، کشف مجهولات و دستیابی به راه‌حل مشکلات است. این تحقیق، از نوع مطالعات کیفی است که به روش پدیدارشناسی و با استفاده از مصاحبه انجام شده است. مصاحبه، ملاقاتی است نسنجیده که بین محقق و

مشخصی ندارد؛ به عبارت دیگر، حجم نمونه، به اشباع نظری سؤالات مورد بررسی بستگی دارد؛ به این ترتیب که هرگاه محقق به این نتیجه برسد پاسخ‌های داده‌شده و یا مصاحبه‌های انجام‌شده با افراد مطلع، به اندازه‌ای به همدیگر شباهت دارند که منجر به تکراری شدن پاسخ‌ها و یا مصاحبه‌ها شده و داده‌های جدیدی در آنها وجود ندارد، تعداد مصاحبه‌ها را کافی دانسته و دست از مصاحبه می‌کشد. (محمدپور و رضایی، ۱۳۸۷، ص ۶)

استرابت و کارپنتر (۲۰۱۰) و برن و گرو (۱۹۹۹)، معتقدند در تحقیقات کیفی، افرادی را که در تحقیق شرکت می‌کنند، فرد یا نمونه نمی‌گویند؛ بلکه به آنها شرکت‌کننده یا صاحب اطلاع اطلاق می‌کنند؛ زیرا بر روی این افراد، مداخله‌ای صورت نمی‌گیرد؛ بلکه آنها فعالانه در مطالعه شرکت دارند و افراد به جهت اطلاعات دست‌اولی که درباره یک فرهنگ، تعامل اجتماعی یا پدیده خاص دارند، به عنوان شرکت‌کننده انتخاب می‌شوند. (حاج‌باقری و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۳۳)

در این پژوهش، با انجام مصاحبه با مشارکت‌کنندگان، اشباع نظری مدنظر حاصل شد و تعداد ۲۰ نفر از آنان (۱۰ نفر مرد و ۱۰ نفر زن) به عنوان مشارکت‌کننده انتخاب شدند.

روش‌ها و ابزارهای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای جمع‌آوری داده‌ها، از روش مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. مصاحبه‌ها با این سؤال باز و کلی که در

آموزش مبتنی بر فضای مجازی چه فرصت‌ها و تهدیدهایی، تربیت دینی دانش‌آموزان را تحت اثر می‌گذارد، شروع شد. سؤالات بعدی، بر اساس روند مصاحبه و پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان پرسیده شد و در طول آن، سؤالات کاوشگرانه جهت دستیابی به جزئیات و اطلاعات غنی‌تر استفاده شد. مصاحبه‌ها با تعیین زمان مشخص‌شده قبلی از سوی شرکت‌کنندگان و بدون حضور فرد دیگری و به صورت حضوری و غیرحضوری انجام شد.

در بررسی‌های اجتماعی، مصاحبه فردی، متداول‌ترین روش جمع‌آوری اطلاعات است. مصاحبه فردی، در اغلب موارد با توجه به وجود برخی منابع گوناگون اشتباه یا منحرفانه، بدون تردید، مناسب‌ترین یا مناسبت‌ترین در جمع‌آوری اطلاعات است. (حجتی، ۱۳۹۵، ص ۲۳۹)

تمام مصاحبه‌های انجام‌شده با کسب اجازه از شرکت‌کنندگان به صورت صوتی و با استفاده از دستگاه MP۳ ضبط گردید و سپس برای انجام تحلیل‌های بعدی، به‌دقت مصاحبه‌ها روی کاغذ پیاده شدند. برای تحلیل داده‌ها متن مصاحبه‌ها پس از پیاده شدن روی برگه، چندین بار مرور شد تا شناخت کلی از آن حاصل شود. سپس، برای هریک از متون مصاحبه، خلاصه تفسیری نوشته شد و نسبت به درک و استخراج معانی نهفته در آن اقدام گردید. در ادامه، پژوهشگر در استخراج مضامین به مشارکت و تبادل نظر پرداخت.

طبقه‌بندی بر اساس غرق شدن در اطلاعات، تکرار کدگذاری‌ها و مقایسه‌ها



صورت گرفت. پس از استخراج، کدگذاری و طبقه‌بندی اطلاعات، مضامین مشترک و مرتبط با هم در قالب طبقات فرعی، و در نهایت، طبقه عمده تلفیق و مضامین نابجا و نامرتب حذف شدند. برای بررسی ارتباط بین مقوله‌ها و یکپارچه کردن آنها، از تلفیق تفکر قیاسی و استقرایی و حرکت مداوم بین مفاهیم مرتبط استفاده شد.

برای تضمین اعتبار داده‌ها پس از تحلیل، هر مصاحبه مجدداً به شرکت‌کننده مراجعه و صحت و سقم مطالب تأیید و تغییرات لازم اعمال شد. جهت تضمین قابلیت تصدیق، سعی بر آن بود که پژوهشگر پیش‌فرض‌های پیشین خود را تا حد امکان در فرآیند جمع‌آوری اطلاعات دخالت ندهد. در زمینه رعایت اصول اخلاقی پژوهش، شایان توجه است قبل از مصاحبه، شرکت‌کنندگان از اهداف و اهمیت پژوهش آگاه شدند و به دور از اجبار با رضایت و آگاهی لازم درباره چيستی و چگونگی پژوهش شرکت کردند.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، روش کدگذاری موضوعی و استفاده از روش هفت مرحله کلایزی بود. جهت توصیف و

شناسایی جامع فرصت‌ها و تهدیدهای آموزش مجازی در تربیت با رویکرد دینی - اسلامی دانش‌آموزان از دیدگاه معلمان دین و زندگی متوسطه اول استان چهارمحال و بختیاری، روش هفت مرحله کلایزی به عنوان روش مناسب جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات تشخیص داده شد. این روش، شامل هفت مرحله است:

1. خواندن دقیق همه توصیف‌ها و یافته‌های مهم شرکت‌کنندگان؛
2. استخراج عبارات‌های مهم و جمله‌های مرتبط با پدیده؛
3. مفهوم‌بخشی به جمله‌های مهم استخراج‌شده؛
4. مرتبط‌سازی توصیف‌های شرکت‌کنندگان و مفاهیم مشترک در دسته‌های خاص؛
5. تبدیل همه نظرات استنتاج‌شده به توصیف‌های جامع و کامل؛
6. تبدیل توصیف‌های کامل پدیده به یک توصیف واقعی خاصه و مختصر؛
7. معتبرسازی نهایی.

ملاک‌های ارزشیابی

تحقیق کمی با پیش‌فرض عینیت، بر اساس برخی معیارهای مشخص و از پیش تعیین‌شده مانند اعتبار و قابلیت اطمینان، ارزیابی می‌شود؛ اما برای ارزیابی پژوهش کیفی، معمولاً پایبندی به این معیارها مناسب نیست. گروهی از پژوهشگران، معیارهای مشابه دیگر را که برای ارزیابی پژوهش کیفی مناسب‌تر هستند، اتخاذ کرده‌اند. گوبا و لینکن در سال ۱۹۸۵، معیارهای زیر را برای سنجش اطمینان‌پذیری مطالعات کیفی تعریف کرده‌اند:

* باورپذیری: معادل اعتبار درونی در پژوهش کمی می‌باشد.

* قابلیت انتقال: معادل اعتبار بیرونی/قابلیت تعمیم در پژوهش کمی می‌باشد.

* قابلیت اطمینان: معادل پایایی در پژوهش کمی می‌باشد.

* قابلیت تأیید: معادل بی‌طرفی پژوهشگر و حفظ عینیت در پژوهش کمی می‌باشد.

- باورپذیری:

با این ملاک، تجانس یافته‌های پژوهش با

در کنار همه مزایایی که راه‌اندازی شبکه «شاد» داشت، اما فقط امکان تعلیم و تربیت حداقلی فراهم آمد و باید مرتب به‌روزرسانی و کارآمدتر گردد. از خوبی‌های این شبکه که بگذریم، غفلت از آسیب‌های جدی آن، ضربات و مخاطراتی را برای جامعه، به‌ویژه مخاطبان خود (دانش‌آموزان) به دنبال دارد که نباید آنها را دست کم گرفت؛ زیرا در آینده، آثار و تبعات بلندمدت آن رخ خواهد نمود



واقعیت را میسنجیم. روشهای زیر پژوهشگر را در ارتقاء باورپذیری پژوهش و داور را در ارزیابی گزارش کیفی توانمند می‌کنند.

۱. اتخاذ روش‌های پژوهشی که به‌درستی تعیین شده باشند: شیوه جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها، باید متناسب با مفهوم مورد مطالعه باشد. بدین منظور، بهتر است که پژوهشگر جهت تعیین مسیر سؤالات در جلسات مصاحبه و شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها، به مطالعه پژوهش‌هایی که مفهومی مرتبط با مفهوم مورد مطالعه او داشته‌اند و در جمع‌آوری داده‌ها موفق بوده‌اند، بپردازد و در طراحی روش‌های خاص خود، از آنها سرمشق بگیرد. البته آنچه آنها انجام داده‌اند و آنچه پژوهشگر از آنها اقتباس کرده است، باید در گزارش آورده شود.

۲. آشنایی اولیه با زمینه فرهنگی پدیده مورد مطالعه: لینکن و گوبا، از مفهوم آشنایی طولانی‌مدت بین پژوهشگر و شرکت‌کنندگان استفاده می‌کنند. هدف از آشنایی اولیه، شناسایی فرهنگ سازمانی پدیده مورد مطالعه و اعتماد بیشتر شرکت‌کنندگان به پژوهشگر می‌باشد. این آشنایی، از طریق مطالعه اسناد مناسب و بازدیدهای اولیه از

محل وقوع پدیده مورد نظر حاصل می‌شود.

۳. نمونه‌گیری تصادفی: اگرچه در پژوهش‌های کیفی تأکید بر نمونه‌گیری نظری است، نمونه‌گیری تصادفی در کنار نمونه‌گیری نظری، اثر سوگیری پژوهشگر در انتخاب شرکت‌کنندگان را - که به دنبال تعامل طولانی‌مدت با آنها و تأثیرپذیری از آنها حاصل می‌شود - خنثا می‌کند. به دنبال نمونه‌گیری تصادفی، ممکن است افرادی انتخاب شوند که جنبه‌ای متفاوت از پدیده مورد مطالعه را برای پژوهشگر آشکار کنند. همچنین، ممکن است این افراد اطلاعاتی در مورد پدیده مورد مطالعه نداشته باشند که در این صورت، از مطالعه خارج خواهند شد.

۴. مثلث‌سازی: مثلث‌سازی، شامل استفاده از شیوه‌های متفاوت جمع‌آوری اطلاعات، طیف گسترده‌تر مشارکت‌کنندگان و جمع‌آوری اطلاعات توسط افراد مختلف می‌باشد.

۵. تکنیک‌هایی جهت اطمینان از صداقت شرکت‌کنندگان: بهتر است پژوهشگر به شرکت‌کنندگان بگوید که جواب درستی برای پرسش‌هایی که می‌پرسد، وجود ندارد و آنها را از ابتدای مصاحبه به رک بودن تشویق کند. همچنین، بهتر است پژوهشگر

عدم وابستگی خود به مراجع قدرت سیستم و محرمانه بودن اطلاعات را بیان کرده تا شرکت‌کننده بدون ترس از مواخذه شدن، به پاسخگویی بپردازد. مشارکت‌کننده باید بداند هر زمان که مایل باشد، می‌تواند پژوهش را ترک کند. هنگامی که پژوهشگر، شرکت‌کنندگان را در جریان مواردی که ذکر شد، می‌گذارد، امکان دستیابی به پاسخ‌های صادقانه را افزایش می‌دهد.

۶. سؤال‌های تکرار شونده: در مواردی که پژوهشگر با تناقض‌گویی و دروغ مواجه می‌شود، بهتر است پرسش‌های خود را در قالب عباراتی متفاوت مجدداً تکرار کند و در پایان، تصمیم بگیرد این اطلاعات را به کلی حذف کرده و یا با بررسی علل تناقض‌گویی‌ها و دروغ‌ها، آنها را در گزارش نهایی جای دهد.

۷. تجزیه و تحلیل مورد مخالف: تجزیه و تحلیل نمونه‌هایی از پدیده مورد مطالعه که با تبیین‌های کنونی پژوهشگر از پدیده مورد مطالعه در تضاد است، به تصحیح و تکمیل فرضیه‌های پژوهشگر می‌انجامد.

۸. گزارش‌دهی مکرر پژوهشگر به افراد بالادست: در چنین جلساتی، پژوهشگر

نتیجه این پژوهش، جدای از طبقه‌بندی و تبیین جایگاه دینداری در ایران، نشان دادن تأثیر فضای مجازی بر دینداری و هویت دینی است. داشتن هویت مذهبی قوی‌تر، باعث می‌شود که رفتارهای نادرست آنلاین، مانند جست‌وجو و شرکت در پورنوگرافی، کمتر شود. همچنین، نشان‌دهنده استفاده از فضای مجازی برای مقاصد تفریحی در مقایسه با استفاده از آن برای ارتباط یا جمع‌آوری اطلاعات و... است که باعث می‌شود کاربران (دانش‌آموزان)، هویت مذهبی ضعیف‌تری داشته باشند

جریان کار و ایده‌ها و تفسیرهای در حال شکل‌گیری خود را بیان می‌کند و نسبت به دیدگاه‌های دیگران آگاه می‌شود و با بازخوردهایی که می‌گیرد، متوجه سوگیری‌ها و صحت عملکرد خود می‌شود.

۹. بررسی همکاران از طرح تحقیقاتی: بهتر است پژوهشگر در جریان پژوهش، همکاران خود را که خارج از طرح تحقیقاتی او هستند، در جریان یافته‌های پژوهش بگذارد. دیدگاه‌های تازه‌ای که چنین افرادی

بهتر است پژوهشگر در جریان مصاحبه و در پایان آن، صحت داده‌های جمع‌آوری شده را با شرکت‌کنندگان بررسی کند. می‌توان از مشارکت‌کنندگان خواست نسخه‌ای از مصاحبه را مرور کنند و بگویند آیا واژه‌هایی که به کار برده‌اند، در واقع بیانگر آنچه می‌خواهند بگویند، هست؟ عنصر دیگر بررسی یافته‌ها توسط شرکت‌کنندگان، بررسی استنباط‌ها و تبیین‌های پژوهشگر از پدیده مورد مطالعه، توسط شرکت‌کنندگان در

یافته‌های یک پژوهش کیفی در موقعیتی دیگر می‌باشد. اعتبار بیرونی که از ملاک‌های ارزشیابی پژوهش کمی می‌باشد، توانایی تعمیم یافته‌های حاصل از مطالعه پژوهش به جامعه‌ای را که نمونه‌ای از آن انتخاب شده است، ارزیابی می‌کند؛ اما در پژوهش‌های کیفی، قابلیت انتقال به عنوان ملاک ارزشیابی پژوهش مورد اختلاف است. گروهی از پژوهشگران کیفی، اعتقاد دارند که پژوهش کیفی، امکان انتقال یافته‌ها به



در اختیار پژوهشگر می‌گذارند، این امکان را به پژوهشگر می‌دهد تا مفروضات خود را به چالش بکشد.

۱۰. پیشینه، صلاحیت (مدارک تحصیلی) و تجارب محقق: از آنجا که در پژوهش کیفی، محقق ابزار اصلی جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها می‌باشد، بررسی صلاحیت او، از عوامل تعیین‌کننده اعتبار پژوهش می‌باشد. بهتر است پژوهشگر هرگونه اطلاعات فردی و تخصصی که در ارتباط با پدیده مورد مطالعه دارد، در گزارش ذکر کند.

۱۱. بررسی یافته‌ها توسط شرکت‌کنندگان:

پژوهش می‌باشد. می‌توان از شرکت‌کنندگان خواست در صورتی که با تفسیرهای پژوهشگر موافق یا مخالف هستند، دلایل خویش را ارائه دهند.

۱۲. پژوهش‌های پیشین به عنوان محک: چنانچه یافته‌های پژوهشگر، متجانس با پژوهش‌های پیشین باشد و پژوهشگر از بدنه علمی موجود به عنوان ملاک مقایسه و ارزیابی استفاده کند، باورپذیری پژوهش خود را افزایش داده است.

موقعیت‌های دیگر را ندارد. در مقابل، افرادی که موافق انتقال‌پذیری پژوهش‌های کیفی هستند، وظیفه محقق را توصیف و توضیح کامل شرایط زمینه‌ای پدیده مورد مطالعه می‌دانند. چنانچه محقق زمینه وقوع پدیده مورد مطالعه و ارتباط پدیده و زمینه را به‌خوبی مشخص کند، خواننده این امکان را خواهد داشت تا با مقایسه نمونه‌ای از پدیده که در پژوهش مطالعه شده و نمونه‌ای که او با آن روبه‌روست، در رابطه با انتقال‌پذیری یافته‌ها تصمیم بگیرد.

در جهت افزایش قابلیت انتقال یافته‌های پژوهش، اشاره به موارد زیر در گزارش

– قابلیت انتقال:

منظور از قابلیت انتقال، امکان به‌کارگیری



والدین، نزدیک‌ترین افراد به کودکان هستند. پس، لازم است مراقب رفتار و گفتار خود بوده و با تشویق و ترغیب، به روش محبت‌آمیز، فرزندان خود را در رسیدن به تربیت اسلامی یاری دهند. یکی از با دوام‌ترین و مهم‌ترین روش‌ها در تربیت دینی کودکان، نگرش مثبت فرزندان به مذهب و دین است



تعدادی از مشارکت‌کنندگان مصاحبه کرده و تعدادی دیگر را حذف می‌کند. همچنین، بهتر است تئوری‌های اولیه محقق در تبیین یافته‌ها که در نهایت، تغییر نموده و به گونه‌ای دیگر بیان شده‌اند نیز مورد بحث قرار گیرند؛ به عبارتی، جریان مداوم بازتاب تفسیرهای پژوهشگر، به تأییدپذیری هرچه بیشتر پژوهش می‌انجامد.

پیشنهادها

الف. پیشنهادهای پژوهشی

۱. پیشنهاد می‌شود که این پژوهش توسط پژوهشگران دیگر با بهره‌گیری از سایر رویکردها هم اجرا گردد و نتایج به‌دست‌آمده، با هم مقایسه و مورد ارزیابی قرار گیرد؛

۲. این پژوهش برای دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول انجام شده است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که برای دانش‌آموزان سایر مقاطع تحصیلی دیگر، به‌خصوص ابتدایی نیز انجام و نتایج آن بررسی گردد؛

۳. اهمیت نقش الگویی والدین در تربیت دینی کودکان؛ والدین، نزدیک‌ترین افراد به کودکان هستند. پس، لازم است مراقب رفتار و گفتار خود بوده و با تشویق و ترغیب، به روش محبت‌آمیز، فرزندان خود

– طراحی تحقیق و اجرای آن؛

– جزئیات مربوط به جمع‌آوری داده‌ها؛

– اطلاعاتی که انعکاس‌دهنده ملاک‌های ارزیابی مداوم پژوهش می‌باشد.

این اطلاعات، مسیر استخراج یافته‌ها از داده‌ها را به خواننده نشان داده و یافته‌ها را قابل اطمینان می‌سازند؛ لینکن و گوبا، بر روابط نزدیک بین باورپذیری یافته‌ها و قابلیت اطمینان آنها تأکید دارند. در عمل، آنچه جهت افزایش باورپذیری پژوهش انجام می‌گیرد، به عنوان مثال، به کارگیری روش‌های مختلف جمع‌آوری اطلاعات که با یکدیگر همپوشانی دارند، مصاحبه با افراد به‌تنهایی و در قالب گروه‌های کانونی، نه تنها باورپذیری پژوهش را افزایش می‌دهد، بلکه اطمینان‌پذیری یافته‌ها را نیز افزایش خواهد داد.

– قابلیت تأیید:

از ملاک‌هایی که پژوهش کیفی را تأییدپذیر می‌کند، اذعان هرچه بیشتر پژوهشگر به جهت‌گیری‌های فکری خود می‌باشد؛ توضیح اینکه چرا یک شیوه پژوهشی را به کار بسته و دیگری را کنار می‌گذارد، چرا با

پژوهش تأکید شده است:

۱. تعداد و مشخصات سازمان‌های شرکت‌کننده در پژوهش؛

۲. تعداد افرادی که در مطالعه میدانی شرکت دارند؛

۳. محدودیت افرادی که به‌نوعی با داده‌ها در ارتباط هستند (شرکت‌کنندگان و پژوهشگران)؛

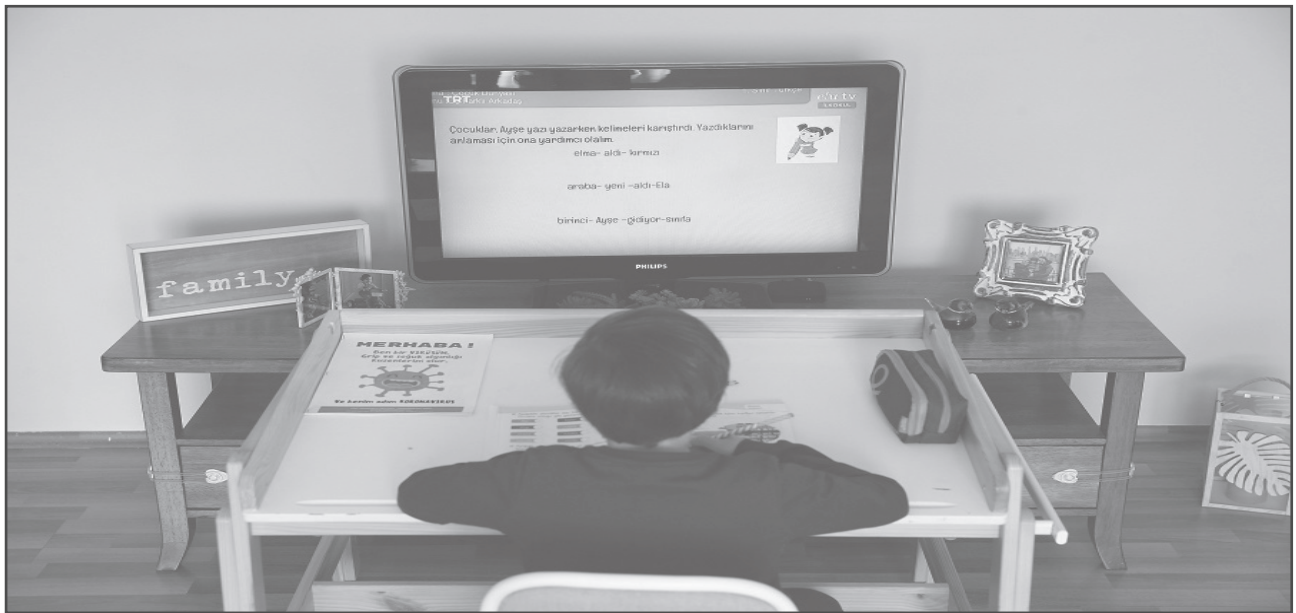
۴. شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات؛

۵. تعداد و طول جلسات جمع‌آوری اطلاعات؛

۶. مدت زمان کلی که صرف جمع‌آوری اطلاعات شده است؛ با ذکر تاریخ.

– قابلیت اطمینان:

پایایی در پژوهش‌های کمی، بدین معناست که تکرار پژوهش با شرایط، شیوه‌ها و شرکت‌کنندگان یکسان، به نتایج مشابهی خواهد انجامید. در پژوهش کیفی، مشاهدات پژوهشگر به موقعیت پژوهشی خاص در زمانی مشخص پیوند خورده است و هدف از قابلیت اطمینان در پژوهش کیفی، فراهم آوردن داده‌هایی است که به واسطه آنها، خواننده هرچه بیشتر و عمیق‌تر، به اطلاعات زیر دسترسی داشته باشد:



- را در رسیدن به تربیت اسلامی یاری دهند. یکی از با دوام‌ترین و مهم‌ترین روش‌ها در تربیت دینی کودکان، نگرش مثبت فرزندان به مذهب و دین است. پس، والدین باید با روش محبت‌آمیز و به دور از هرگونه اجبار، کودک خود را به انجام اعمال مذهبی و فراگیری آن تشویق کنند؛
۴. فرهنگسازی و ایجاد بستر مناسب و آموزش‌های لازم به کودکان در خصوص استفاده از فضای مجازی؛
۵. با توجه به حجم بالایی از گوشی‌های هوشمند و در دسترس بودن آن، ارگان‌های دولتی باید نظارت و کنترل بیشتری داشته باشند و نسبت به واردات این وسایل، تصمیم مناسبی اتخاذ کنند؛ به گونه‌ای که هر شخصی با توجه به نیاز و شرایط کاری خود، بتواند از این رسانه‌ها استفاده کند؛
۶. حمایت از افراد خلاق و هنرمند در زمینه تولید کارتون و ساخت بازی‌های رایانه‌ای مناسب با فرهنگ ایرانی - اسلامی؛ به نحوی که گرایش و میل کودکان به سمت استفاده از بازی‌های ساخت فرهنگ داخل،
- سوق داده شود؛
۷. برگزاری مراسم و نمایشگاه‌ها با هدف به نمایش گذاشتن تولیدات ساخت داخل در عرصه فرهنگی در سراسر کشور؛
۸. برگزاری مسابقات فرهنگی هنری با محوریت قرآن کریم و اهل‌بیت(ع) در شهرهای مختلف و با حضور کودکان؛
۹. برگزاری جلسات آموزشی از سوی مصادر فرهنگی در شهرستان‌ها به منظور آشنا نمودن و اطلاع‌رسانی به والدین در مورد فناوری‌های جدید، به‌ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی.
- ب. پیشنهادات کاربردی
۱. فرهنگسازی استفاده بهینه و درست از امکانات فضای مجازی؛
۲. آشناکردن متولیان تربیت با فضای مجازی؛
۳. تولید و توسعه تولیدات فرهنگی متناسب با دین در فضای مجازی؛
۴. نظارت و همراهی با فرزندان در استفاده از فضای مجازی؛
۵. ترغیب به استفاده کمتر از فضای مجازی و ایجاد جایگزین؛
۶. تقویت عقاید و باورهای دینی؛
۷. بصیرت‌بخشی و آگاهی دادن به کاربران؛
۸. بهره‌گیری از اصول تربیتی اسلامی. ■